

ج ۲: «مبارزه با دوست‌داشتنی‌ها» مبنای تعریف انسان است/ آگاهی و اختیار بدون «جهاد اکبر» بی‌فایده است/ طراحی خدا برای معنادار شدن اختیار انسان / «جهاد اکبر» یعنی عبور از علاقه‌های آشکار به علاقه‌های پنهان

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان، شبهای ماه مبارک رمضان، در اولین ساعات بامداد(حدود ساعت ۳۴) در مسجد امام صادق(ع)-جنب میدان فلسطین- و در میان جمع دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه‌های تهران، به مدت ۳۰ شب و با موضوع «تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)» سخنرانی می‌کند.

گزیده‌ای از دومین جلسه سخنرانی این استاد حوزه و دانشگاه را در ادامه می‌خوانید:

غربت مفهوم «جهاد اکبر» در شناخت و معرفی انسان / آگاهی و اختیار انسان بدون «جهاد اکبر» فایده‌ای ندارد

- معمولاً در پاسخ به این سؤال که «تفاوت انسان با حیوان چیست؟» به اینکه انسان دارای عقل، آگاهی و اراده و اختیار است، اشاره می‌شود. اما سوال این است که این اراده، اختیار و آگاهی که به عنوان فضیلت و وجه تمایز «انسان» با «حیوان» و «فرشته‌ها» مطرح می‌شود، به چه دردی می‌خورند و چه فایده‌ای دارند؟ ما برای چه دارای آگاهی و اراده و اختیار شده‌ایم؟
- **آگاهی و اراده، دو مفهوم بسیار مشهور در حیات انسان هستند. ولی در این میان مفهوم دیگری وجود دارد که غریب مانده است و اگر این مفهوم نباشد، آگاهی و اختیار هم فایده نخواهند داشت و آن «جهاد اکبر» است.**
- جهاد اکبر مفهوم غربی است که معمولاً در شناخت و معرفی انسان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. ما آگاهی و اختیار داریم که چه چیزی را انتخاب کنیم؟ آیا نسبت ما با چیزهایی که می‌توانیم انتخاب کنیم، نسبت یکسانی است؟ چرا انتخاب انسان، ارزشمند می‌شود؟ آیا بر اساس شانس است؟

انتخاب انسان وقتی ارزشمند است که علیه آنچه دوست دارد، انتخاب کند و آلاً تفاوتی با انتخاب حیوان نخواهد داشت

- می‌توان گفت آزادی انتخاب و اختیار انسان، در صورتی که تمایلات انسان مطرح نباشد، مضحک و بی‌معنا است. این تمایلات و گرایش‌های انسان است که نسبت او را با چیزی که می‌خواهد انتخاب کند، تعیین می‌کند. و انتخاب انسان وقتی ارزشمند است که علیه آن چیزی که دوست دارد، انتخاب کرده باشد. و آلاً انتخاب او، تفاوتی با حیوانات را رقم نخواهد زد.

انسان موجودی است که برای مبارزه با امیال خودش آفریده شده/ «مبارزه با دوست‌داشتنی‌ها» مبنای تعریف انسان

- **انسان، موجودی است که برای مبارزه با امیال خودش آفریده شده است و آلاً اختیار، آزادی و آگاهی انسان، بی‌فایده خواهند بود. هویت و ذات و مبنای تعریف انسان این است که با دوست‌داشتنی‌هایش مبارزه کند.**

آگاهی و اختیار انسان وقتی معنادار می‌شود که به هر دو طرف یک انتخاب تمایل داشته باشد

- اگر انسان به هیچکدام از انتخاب‌های ممکن، تمایل نداشته باشد، اختیار و آزادی او بی‌معنا خواهد بود. اگر انسان به یکی از انتخاب‌های ممکن، علاقه داشته باشد و به طرف مقابل آن اصلاً علاقه نداشته باشد، باز هم اختیار بی‌معنا است. آگاهی و اختیار انسان وقتی معنادار می‌شود که شما به هر دو طرف یک انتخاب تمایل داشته باشید، در چنین انتخابی است که شرافت انسانی معنا پیدا می‌کند. در واقع انسان معمولاً از بین چند تمایل خودش، یکی را انتخاب می‌کند.
- سؤال دیگر این است که این چند تمایل انسان نسبت به یکدیگر چگونه باشند تا اختیار معنی پیدا کند؟ اگر دو یا چند تمایل دارای میل یکسان از طرف ما باشند و کشش یک طرف بیشتر نباشد، باز هم انتخاب معنا نخواهد داشت و انسان حیوان می‌ماند. و اگر میل به یک انتخاب، بیشتر باشد، طبیعی است که همیشه آن را انتخاب می‌کنیم و باز هم اختیار بی‌معنا خواهد بود.

طراحی خدا برای معنادار شدن اختیار انسان: «علاقه ارزشمند ولی پنهان» در مقابل «علاقه کم‌ارزش ولی آشکار»

- خداوند سیستم جالبی را برای معنادار شدن اختیار و انتخاب انسان طراحی کرده است؛ به این صورت که **خداوند دو نوع علاقه در وجود انسان قرار داده است که یکی؛ سنگین تر، ارزشمندتر، عمیق تر ولی پنهان تر است و علاقه دیگر، سطحی تر، کم‌ارزش تر، سبک تر و باشیرینی کمتر، اما آشکار تر است. و اختیار در این جا معنی پیدا می‌کند که شما از تمایل آشکار و سطحی خود عبور می‌کنی و به تمایل عمیق و ارزشمندتر مراجعه می‌کنی. از اینجا به بعد است که انسان، معنی پیدا می‌کند و هویت انسانی، تجلی پیدا می‌کند و اصلاً فلسفه وجودی انسان، همین است.**

انسان باید از تمایلات کمتر ولی ملموس تر عبور کند تا به تمایلات عمیق تر برسد/ تمایلات کمتر و سطحی تر را «هوای نفس» می‌نامند

- اختیار انسان فقط اینجا معنا پیدا می‌کند که انسان از یک تمایل کمتر ولی تجربه شده، ملموس تر و سطحی تر عبور کند و به یک علاقه عمیق تر برسد. این علاقه‌های کمتر و سطحی تر را «هوای نفس» می‌نامند.
- حضرت امام (ره) در ارتباط با عبور کردن از علائق سطحی به علائق عمیق، می‌فرمایند: «همه چیز از خود ما هست و به ما برمی‌گردد، عکس العمل ماست. باید توجه داشته باشند، همه توجه داشته باشیم به اینکه آفت انسان، هوای نفس انسان است و این در همه هست، سرچشمه می‌گیرد از آن فطرت توحید. فطرت توحید است، فطرت کمال طلبی است. کمال مطلق را انسان می‌طلبد، خودش نمی‌فهمد، خیال می‌کند که مقام می‌خواهد، لکن وقتی بهش رسید، می‌بیند این هم نیست. همه عالم را اگر

چنانچه جمع کنند و به دست انسان بدهند، قانع نیست. می بینید که قدرتمندهایی که قدرتشان زیاد است، بیشتر دنبال قدرت هستند، بیشتر دنبال توسعه قدرت خودشان هستند. آنها هم اگر فضا را بگیرند و دریا را بگیرند و زمین را بگیرند و آسمان را بگیرند، قانع نیستند. اگر انسان جلوی خودش را نگیرد، این سرکشی ای که حد و حدود ندارد، انسان را به باد فنا می دهد. باید سرکشی را جلوی خود را گرفت، و این نفس را مهار کرد. ... از هواهای نفسانی که سرچشمه همه فسادها هست، جلو بگیرند.» (صحیفه امام/ج ۱۹/ص ۳۷۶)

انسان آفریده شده است تا از علایق سطحی خود عبور کند

- انسان آفریده شده است تا از علایق سطحی خود، رد شود. این علاقه سطحی را باید دور بریزیم. پشت این علایق سطحی، چیز دیگری پنهان شده است که باید آن را پیدا کرد. مثلاً خواسته سطحی تو، خانه دار شدن است ولی خواسته عمیق پشت آن، خداخواهی است. آن علایق پنهان را باید کشف کرد. انسان شدن انسان به مبارزه با همین خواسته های سطحی وابسته است، البته این مبارزه باید با یک برنامه صحیح انجام شود و اگر کسی برای مبارزه با هوای نفس، به دنبال برنامه باشد آن برنامه را اسلام ارائه کرده است.

اگر از علاقه های آشکار به علاقه های پنهان عبور کنیم «جهاد اکبر» شکل گرفته است

- اختیار وقتی معنی دارد که بین دو چیزی انتخاب کرده ای که یکی از آنها ارزشمندتر ولی پنهان تر است؛ و دیگری بی ارزش تر ولی پیداتر و آشکارتر است. اگر از این علاقه آشکار به آن علاقه پنهان عبور کنی؛ جهاد اکبر شکل گرفته است و مبارزه با نفس پدید می آید که نخ تسبیح فضائل و خوبی های انسان است. **امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «مخالفت با هوای نفس نظام دین را شکل می دهد؛ نظام الدین مخالفة الهوی»**؛ (غررالحکم/حدیث ۳۲) و در جای دیگر می فرماید: «رأس دین مخالفت با هوای نفس است؛ رأس الدین مخالفة الهوی؛ غررالحکم/حدیث ۳۵)
- پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: بر یکی از درب های دوزخ الهی نوشته شده است: «از هوای نفس پیروی نکن، هوای نفس ایمان را از بین می برد؛ و عَلَى الْبَابِ الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ: لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَالْهَوَىٰ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ» (الروضه فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)/ص ۱۷۷)

مبارزه با نفس سخت است/مؤمن به خاطر مبارزه با نفس روزی هفتاد بار می میرد

- البته مبارزه با هوای نفس سخت است. در حدیث قدسی چنین آمده است که: مردم یکبار می میرند ولی مؤمن به خاطر مبارزه با نفس و مخالفت با هوای نفسش روزی هفتاد بار می میرد؛ **يَمُوتُ النَّاسُ مَرَّةً وَ يَمُوتُ أَحَدُهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ مُجَاهَدَةِ أَنْفُسِهِمْ وَ مُخَالَفَةِ هَوَاهُمْ** (میزان الحکمه/روایت ۲۹۱۶)

